

بسمه تعالی

یگانگی خدا از منظر فلاسفه و مقایسه آن با تفکر کمونیستی

نویسنده:

غلامرضا سامح



انتشارات کاوش هنر

سرشناسه	: سامع، غلامرضا، ۱۳۴۲-
عنوان و نام پدیدآور	: یگانگی خدا از منظر فلاسفه و مقایسه آن با تفکر کمونیستی/نویسنده غلامرضا سامع.
مشخصات نشر	: تهران: کاوش هنر، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۳ ص.
شابک	: ۲۵۰۰۰۰ ریال 978-622-96634-5-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۴۶ - ۱۵۳.
موضوع	: فیلسوفان اسلامی — دیدگاه درباره خدانشناسی
موضوع	: Muslim philosophers -- Views on God
موضوع	: خدا (اسلام) — اثبات
موضوع	: God (Islam) -- Proof
موضوع	: خدانشناسی — فلسفه
موضوع	: God -- Knowableness -- Philosophy
موضوع	: خدا — اثبات
موضوع	: God -- Proof
رده بندی بکره	: ۵۵BBR
رده بندی دیویی	: ۱/۱۸
شماره کتابشناسی	: ۶۰۸۶۶۰۴

آدرس انتشارات: تهران - خ انقلاب - تقاطع نردین - پلاک ۱۳۱۴ - طبقه سوم - واحد ۱۲ - نشر کاوش هنر
تلفن: ۶۶۴۸۱۱۷۱

فروشگاه: خیابان انقلاب، مقابل دبیرخانه - دانشگاه تهران - شماره ۱۳۱۶ / انتشارات کاوش - تلفن ۶۶۴۰۱۵۹۵

عنوان کتاب: یگانگی خدا از منظر فلاسفه و مقایسه آن با تفکر کمونیستی

مولف: غلامرضا سامع

ناشر: انتشارات کاوش هنر

طراح جلد: حامد کاوش

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰ جلد

حقوقچینی، صفحه‌آرایی، لیتوگرافی، چاپ، صحافی: موسسه دیجیتال کاوش

شابک: 978-622-96634-5-5

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

«حق چاپ برای ناشر محفوظ است»

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵.....	مقدمه
۷.....	۱- نگرش وجودی ملاصدرا به خداوند
۱۵.....	۲- صدرالمتألهین و اثبات وجود خداوند
۲۳.....	۳- سخنان فیلسف ملاصدرا
۲۵.....	۴- سنجش بحث خدا
۲۶.....	۴-۱ برامین اثبات واجب
۳۱.....	۴-۲ صفات خدا
۴۵.....	۵- برهان بر بی نیازی خدا برها براساس دیدگاه صدرالمتألهین
۵۰.....	۶- نفی مطلق شریک از خداوند براساس دیدگاه صدرالمتألهین
۶۲.....	۷- تقریرات (نظرات) ملاصدرا از رابطه ی معرفت نفس و شناخت خداوند
۶۲.....	۷-۱ تقریر عبودیت
۶۳.....	۷-۲ تقریر مثال و صورت
۶۹.....	۷-۳ تقریر لامؤثر فی الوجود آلا الله
۷۰.....	۷-۴ تقریر تجرد نفس
۷۱.....	۷-۵ تقریر انسان کامل
۷۳.....	۷-۶ تقریر لب لب قشر انسان
۷۳.....	۷-۷ تقریر عقل اوّل
۷۴.....	۷-۸ تقریر سیر تکاملی انسان
۷۵.....	۷-۹ تقریر شناخت عالم
۷۶.....	۷-۱۰ تقریر وجود رابط
۷۷.....	۸- سازگاری درونی تقریرهای ملاصدرا از رابطه ی معرفت نفس و شناخت خداوند
۸-۱	بررسی سازگاری تقریرات ملاصدرا از رابطه ی معرفت نفس و شناخت خداوند با

۷۷	یکدیگر.....
۸-۲	بررسی سازگاری مبانی تقریرات ملاصدرا از رابطه‌ی معرفت نفس و شناخت خداوند.....
۸۸	
۹۲	۹-حقیقت عبودیت و معقولیت آن در حکمت صدرایی.....
۹۶	۹-۱ حقیقت عبودیت.....
۱۰۰	۹-۲ اصالت وجود.....
۱۰۲	۹-۳ تشکیک وجود.....
۱۰۹	۹-۴ حرکت جوهری.....
۱۱۸	۱۰-۱-۱-۱-۱ عبودیت.....
۱۲۰	۱۰-۱ دیدگاه فیلسوفان در باب عبادت تکوینی.....
۱۲۴	۱۰-۲ عبادت تشریعی.....
۱۲۵	۱۱-مبانی صدرایی در اثبات معقولیت عبودیت.....
۱۲۵	۱۱-۱ برهان فطرت.....
۱۲۸	۱۱-۲ برهان معقولیت.....
۱۳۱	۱۱-۳ هدف اختصاصی رسالت پیامبران الهی.....
۱۳۶	۱۲-انحرافات خداپرستی و عقیده کمونیسم.....
۱۴۶	منابع.....

مقدمه

عبادت و عبودیت، تنها راه تقرب به خدای سبحان است و در واقع طریقی برای تکامل بشر می باشد. خداوند بزرگ به مقتضای ربوبیت خود برای تربیت و رساندن بشر به کمال شایسته خود یک سلسله عبادات و وظایف اخلاقی معین فرموده است تا در سایه عمل، به کمالی که برای او پیش بینی شده است برسد. انبیاء و سفیران الهی نیز این کمال را تنها در عبودیت و بندگی، خلاص نموده اند و آنچه نزد محبوب ما اهمیت دارد تعبد و بندگی خالصانه ما در نزد اوست و این که آنگاه باشیم که خدا می خواهد نه آن گونه که خود می خواهیم و آن کس که راه خاص یا روش منحصر را برای عبادت خدا ابلاغ می کند، اسیر شرک روشن می شود و چنین شخصی اله خود را ماما هوا می خویش اتخاذ کرده است. و بدانیم که پرستش و اطاعت ظاهری، اگر بدون تسلیم و پذیرش قلبی باشد، بی ارزش است. بنده باید تسلیم محض و بی قید و شرط امر خدا باشد و در برابر فرمان الهی و نیز، بداء، سلیقه ها و خواسته های شخصی را کنار بگذارد؛ که این تسلیم همان عبودیت می رسد که فلسفه عبادت است. ریشه استکبار و اعراض مردم از دعوت های انبیاء آن بوده است که - بتدریج تسلیم و عبودیت نداشته اند و تابع خواسته دل بوده اند. از نظر مکتب انسان ساز اسلام، عبودیت می تواند در همه افعال و رفتار انسان نمایان شود به گونه ای که تمام انانیت ها و خودگرانی ها در آن شکسته شود و التفاتی جز به ذات حق تعالی نداشته باشد. اگر انسان خود را در دایره بندگی خدا قرار دهد، آثار و برکات آن را در تمام مراحل زندگی خود مشاهده می نماید و از مهمترین دستاوردهای عبودیت، آزادگی است: زیرا لازمه عبد خدا بودن رهایی از عبودیت دیگران است و وقتی آدمی به بندگی واقعی خدا در آید تمام امید و آرزو و آرمان خود را در او و از او می بیند، تا جایی که خداوند گوش او می شود تا بشنود و چشم او می شود تا ببیند و زبان او می شود تا صحبت نماید و همه زندگی او رنگ و بویی خدایی می گیرد. البته روح انسان در این راه، لحظه به لحظه در معرض خطرات و تهدیدات است و همانگونه که عواملی چون فطرت و

عقل انسان را به سوی عبادت و تکامل سوق می‌دهند، عواملی نیز مانند شهوت، هوای نفس، تکبر، عجب و ... انسان را از عبادت باز می‌دارد و بزرگترین آن‌ها، شرک می‌باشد. اما اینگونه نیست که انسان توانائی مقابله با آن‌ها را نداشته باشد، بلکه می‌تواند با دانش و آگاهی و درخواست یاری و توفیق از خدا و توکل و پشتکار و جدیت در این راه عوامل زیانبار را کنار نهد و به طور خلاصه باید گفت که محافظ روح و قلب انسان چیزی جز ایمان نیست؛ آن ایمانی که عمل به همراه داشته باشد، روح این عمل هم با عبودیت قرین باشد. از طرف دیگر، اگر انسان به حقیقت عبادت و کُنه عبودیت پی برده باشد، هرگز آن‌ها را به شرک آلوده نمی‌کند. پس باید عمل کرد و قلب‌ها را تزکیه و تصفیه نمود، چرا که رستگاری فقط در سایه این موارد حاصل می‌شود (اسلامی صابر، ۱۳۹۱)

از منظر ملاصدرا؛ بندگان خداوند از سوی انسان، در قالب عبادت بروز و ظهور پیدا می‌کند، اما این عبادت، زمانی ارزش خود را داشته که برخوردار از عبودیت و برخاسته از آن باشد. انسان به‌طور فطری و ذاتی در بالاترین حد ارتباط، با حقیقت غایی مرتبط است؛ به‌گونه‌ای که همه‌ی شئون زندگی او تحت الشعاع این ارتباط قرار می‌گیرد و زندگی او در همین مسیر معنا می‌یابد. ارتباط انسان در آغاز پیدایش، با خدا به عنوان علت فاعلی و هستی بخش او، ارتباط انسان در طول زندگی با خداوند به عنوان علت مبقیه، در نهایت به انجام خویش با خداوند به عنوان علت غایی این سه ارتباط، حقیقت انسان را تشکیل می‌دهد. حقیقت این ارتباط که از آن سو به ربوبیت و از این سو به عبودیت تعبیر می‌شود، در همه‌ی شئون انسان و زندگی او، در ماده و صورت، جسم و روح، دنیا و آخرت، مادیت و معنویت او، جسد و حضور دارد. بدین رو معنای زندگی بدون در نظر داشتن این حقیقت، امری جعلی و در نهایت مجر به پوچی است. انسان بر اثر ارتباط با خالق حیات، زندگی خود را رنگ خاصی داده، از بی‌معنایی و بی‌رنگی نجات می‌یابد: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ صِبْغَةً وَ نَحْنُ لَهُ عِبْدُونَ»^۱ رنگ الهی [بپذیرید] و چه رنگی بهتر از آن؟ و [بگویید] ما تنها او را عبادت می‌کنیم. کسی که با خدا ارتباط دارد و

به او تقرب می‌جوید، همواره خدا را نزدیک خود و خود را نزد خدا احساس می‌کند. چنین فردی، ارزش لحظه لحظه‌ی زندگی و ارزش ریز و درشت کارهای خود را می‌داند. او می‌داند که همه‌ی این‌ها در ارتباط و تقرب به محبوب، نقش دارد و اثر می‌گذارد. او دیگر زندگی را تکرار مکررات نمی‌بیند؛ اعمال را همچون پله‌های نردبان می‌بیند که هرچند ظاهراً تکراری، اما در واقع معراج و وسیله‌ی عروج و صعودند. تکرار، توقف و درجا زدن است؛ اما عروج، تکامل و بالا رفتن است.

با این نگاه زندگی بسیار معنادار و بالارزش است. اگر هر نفس مؤمن به‌طور عام و روزه‌دار به‌طور خاص، تسبیح و عبادت است، اگر قلم علما و مذاکرات علمی، تسبیح است، اگر هر فعلی از مؤمن عبادت است، پس هر لحظه‌ی زندگی، پله‌ای است نو برای ترقی و تکاملی جدید. انسان در این حال، با احساس رشد و پیشگی و تکامل دائمی زندگی خویش را پرمعنا می‌یابد و این دریافت، زندگی را پر از شرف و لذت می‌کند. (عبودیت، ۱۳۸۵، ص ۱۲۵)

۱- نگرش وجودی ملاصدرا به خداوند

مسأله‌ی تبیین علم خداوند همواره اهمیت بسیاری داشته و معرکه‌ی آرای فلاسفه بوده است. ملاصدرا نیز در این زمینه مطالب بسیار مهمی را بیان کرده است. از نگاه وجودی اش به علم نشأت می‌گیرد. او علم را امری وجودی و از صفات کمالی آن می‌داند و در مورد اثبات علم برای خداوند معتقد است که اگر معلول از صفت علم برخوردار باشد، واجب آن در علت، اولی و واجب است، چون معلول، وجود و همه‌ی صفات کمالی اش را از علت گرفته است. بنابراین خداوند که خالق همه‌ی موجودات و صفات کمالی آن‌ها است، قطعاً دارای علم می‌باشد. اما حق تعالی، نه تنها علیم، بلکه علّام است و علم او فوق تمام موجودات دیگر می‌باشد، چون همان‌طور که موجود، به شرف وجود، برتر از معدوم است، موجودات نیز به اندازه‌ی بهره‌ای که از وجود دارند، از صفات کمالی آن برخوردار می‌شوند. بنابراین خداوند که وجودش تام و تمام و فوق کمال می‌باشد، علیم و علّام است. (ملاصدرا، ۱۹۸۱، الشواهد الربوبیه)

علم خداوند مسأله‌ای نیست که در آن تردید شده باشد، اما آنچه در این عبارات مدنظر ما می-

باشد این است که در نگاه تشکیک وجودی ملاصدرا، خداوند که سرمنشأ سلسله مراتب هستی و خالق وجود و همه‌ی صفات کمالی آن، مانند علم است، پس علم همه‌ی موجودات منسوب به اوست، همان‌طور که وجودشان عاریتی و متعلق به او است. از طرف دیگر باید به این نکته نیز توجه داشت که به دلیل وجود مطلق و فوق تمام خداوند، علم او نیز مطلق است. به شکلی که در مواردی ملاصدرا به خداوند و شدت وجودی‌اش که می‌رسد، تنها او را وجود حقیقی می‌داند و همان‌طور که نسبت وجود سایرین به خداوند را نسبت سایه با صاحب سایه می‌داند، در مورد علم هم، علم همه‌ی ملائکه و جن و انس را در مقابل خداوند، نه علم، که چیزی جز اضطراب و حیرت عجیب و ناتوانی نمی‌شمارد. او فقط خداوند را عالم حقیقی به حساب می‌آورد، زیرا علم حقیقی را معرفت اشیاء، آن‌گونه که هستند معرفی می‌کند و به همین خاطر معتقد است تنها مبدع و خالق آن‌ها، برزخیه‌ی وجودشان که همان علم به آن‌هاست، احاطه دارد، پس عالم و حکیم حقیقی تنها خداوند است. (ملاصدرا، ۱۳۵۴، المبدء و المعاد، ص ۱۹۶)

در حقیقت طبق اصول ملاصدرا، و تفکر اساسی می‌تواند مرتبه‌ی علم خداوند را به خوبی برای ما آشکار سازد:

۱. در نگاه وجودی صدرا به هستی، بود عین نور و ظهور است و عدم، مساوق با ظلمت و جهل. بنابراین هرچه مرتبه‌ی وجود بالاتر باشد، درجه‌ی ظهور و علم آن نیز بیشتر خواهد بود و هرچه شدت نقصان و عدم در آن افزون باشد، بهره‌ی کمتری از علم خواهد داشت، چون وجودش همراه با موانع عجاب‌های عدمی بیشتری است. علت این امر آن است که ملاصدرا علم را حضور یک شیء در نزد دیگری می‌داند و هرچه مرتبه‌ی وجودی عالم بالاتر باشد، از تجرد بیشتری برخوردار است و می‌تواند پذیرای حضور مراتب بیشتری از وجود نزد خود باشد. پس خداوند که در بالاترین مرتبه‌ی وجود و شدیدترین درجه‌ی ظهور است، از بالاترین مرتبه‌ی علم یا به تعبیر بهتر علم مطلق برخوردار است، چون وجودش از همه‌ی شوائب عدم و نقصان، منزّه است. (ملاصدرا، ۱۳۷۸، أجوبة المسائل، ص ۴۵)